



## زمین را از یاد نبریم

○ روح‌الله مهدی پورعمرانی

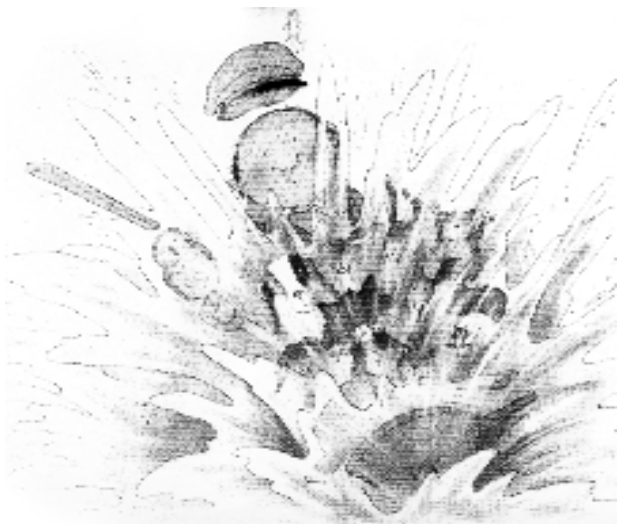
طبیعت‌گرایی و رویکردهای زیست محیطی، از مؤلفه‌های نیرومند در میان هنرمندان و از جمله نویسندگان و به ویژه داستان‌نویسان حوزه کودک و نوجوان به شمار می‌آید. از چند سال پیش که نگرانی جهانیان دربارهٔ کره زمین افزایش یافته، داستان‌نویسان حوزه کودک و نوجوان نیز این دلمشغولی‌ها را مایه داستان‌های خود قرار داده‌اند. باتوجه به شمار کمی از متن‌های ترجمه شده، هنوز داستان‌هایی که در حوزه‌های غیرفارسی زبان، مسائلی مانند صلح، عدالت اجتماعی و محیط زیست را سرلوحه سوژه‌های خود قرار داده‌اند، به مراتب از داستان‌هایی که به زبان فارسی نوشته شده، بیشتر است.

مجموعه چهارجلدی «ماجراهای پارک جنگلی» که با نام‌های: ۱- مهمان ناخوانده ۲- راه مخفی ۳- گروه نجات ۴- پس از توفان، به فارسی برگردانده شده است، می‌کوشد ضمن آشنایی کودکان با طبیعت و اکوسیستم بزرگ زندگی در روی کره زمین، پیوندهای همزیستی را به مثابه یک رفتار و راهکار اساسی مطرح نماید. نیک باتر ورث (نویسنده و تصویرگر)، در این چهارگانه (تترالوژی) که هرکدام داستان مستقل و جداگانه‌ای است، با استفاده از کلام و تصویر، پیوندهای نرم و نازک میان آدم‌ها، اشیاء، جانوران و گیاهان را در قالب خطی داستانی و ماجرای، نشان می‌دهد.

۱- در کتاب نخست (مهمان‌های ناخوانده) که همانندی فراوانی با روایت ایرانی به همین نام دارد، نهبان یک پارک (پرسی) در یک شب سرد زمستانی،

ادبیات کودک و نوجوان، به واسطه پیوند تنگاتنگی که با خیال‌ورزی دارد، همواره از فانتزی‌ها و قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه، بیشترین بهره‌ها را برده است. به غیر از فانتزی‌ها و افسانه‌های نو و به ویژه داستان‌های علمی - تخیلی که به گونه‌ای عنصر نوآوری در ساخت و پرداخت آنها به کار رفته، بقیه داستان‌ها و قصه‌های نوشته شده در حوزه کودک و نوجوان (کودک بیشتر) هم در ساختار و هم در بافتار، از آبخور قصه‌گویی و افسانه‌پردازی قدیمی سیراب می‌شود. اما در روزگار نو، نویسندگانی پیدا شده‌اند که با نگاهی نو به دنیای داستانی کودکان نگرینسته، مسایل و نیازهای ذهنی کودکان این روزگار را دستمایه قصه‌ها و داستان‌های کودکانه قرار داده‌اند. این نویسندگان که عمدتاً بهره‌ای نیز از هنر تصویرگری و نقاشی دارند، جنبه‌های واقع‌گرایانه و فراواقع‌گرایانه را در هم تنیده و با آمیزه‌ای از خیال و واقعیت، در رفتارهای انسانی و محیطی موشکافی کرده، به دریافت و کشفی نو از جهان هستی دست یافته‌اند.

پیدایش نحله‌های داستان‌نویسی در حوزه کودک و نوجوان، از قبیل فانتزی‌ها و افسانه‌های نو، داستان‌های فضایی، داستان‌های علمی و تخیلی، بازنویسی‌های نو از روی متن‌های قدیمی و بالاخره، نوشتن داستان‌های مصور با گونه‌های فراوان، دستاورد نویسندگانی است که ضمن باور به محوریت افسانه‌ها و قصه‌های قدیمی و مشترک میان فرهنگ‌ها در داستان‌هایشان، واقعیت‌ها و خواست‌های کودکان امروز را همواره پیش چشم داشته‌اند.



**نویسنده از همه عناصر  
و ابزارهای برقراری ارتباط با مخاطب  
بهره می گیرد.**  
**این عناصر و ابزارها عبارتند از:**  
**- به کارگیری شخصیت های جانوری**  
**- استفاده از قصه ای ساده و روان**  
**- استفاده از کشش و تعلیقی مناسب**  
**- نقاشی خوب و رنگ آمیزی چشم نواز**

شاخه درخت نگران و متعجب می شوند. در همین حال، صدای خرگوش کوچولو را از پشت سرشان می شنوند. خرگوش به آنها می گوید که از راه قنات که چاهها را به هم وصل می کرده، بیرون آمده است. «پرسی» به خود و دوستانش قول می دهد که فردا (که روز کار اوست) درپوش تازه ای برای آن چاه قدیمی درست کند تا دیگر کسی توی چاه نیفتد.

نویسنده در این قصه کوتاه و ماجراجویی، همکاری و همدلی جانوران پارک جنگلی را به زبانی شیرین و غیرمستقیم، به کودک می آموزد.  
۴- در کتاب چهارم (پس از توفان)، می خوانیم که هوا توفانی شد و بارانی سیل آسا بارید. توفان، درخت بلوط پیر را از ریشه کند و انداخت. پرسی که بلوط پیر را دوست می داشت ناراحت شد. جانوران پارک جنگلی که در شکاف های تنه و شاخه های بلوط زندگی می کردند، بی خانمان شدند. «پرسی» تصمیم گرفت جان پناه دیگری برای دوستانش دست و پا کند. بنابراین، اره و تیشه و میخ و چکش را توی گاری دستی گذاشت و همراه جانوران به آن سوی رودخانه رفت. کارها را تقسیم کرد و به کمک جانوران، برای هر یک از آنها در تنه و شاخه های درختی تنومند، لانه ساخت.

سپس دانه بلوطی را برداشت و به دوستانش نشان داد و گفت که بالای تپه (آن جا که درخت بلوط پیر افتاده بود) کاری دارد که باید هرچه زودتر انجامش بدهد. داستان نویس، در این ایزود، یک بار دیگر هم نوع دوستی، طبیعت دوستی و یکدلی و یکزبانی را به نمایش گذاشته و در پیامی زیبا، نوزایی و تولدی دوباره را بیان

جانوران زیادی را به کلبه اش راه می دهد. در میان جانوران که به کلبه «پرسی» مهربان پناه آورده اند، پرند، چرنده، دونده، دزنده، اهلی و وحشی، دیده می شود. نویسنده به گونه ای با جانوران مهمان کلبه آقای «پرسی» رفتار می کند که انگار همه اهلی، بی آزار، دوست داشتنی و قابل اعتمادند.

در روایت ایرانی «مهمان های ناخوانده» جانورانی که به خانه پیرزن پناهنده می شوند همگی رام و خانگی اند. ولی در روایت نیک باتر ورت، به غیر از موش و پرندگان، جانورانی از قبیل سمور، جوجه تیغی و روباه وجود دارند و نویسنده با نگاهی هستی شناسانه تر، به طبیعت و باشندگان آن نگرسته است.

۲- در کتاب دوم (راه مخفی)، پرسی، نگهبان پارک، به منظور هرس و اصلاح درختچه ها و گیاهان پارک، از کلبه اش بیرون می آید و برای آن که در بیشه انبوه پارک، راه کلبه اش را گم نکند، نخ را به درختی می بندد و سرنخ را همراه خود می برد تا هنگام غروب، به آسانی بتواند از همان راهی که رفته، به کلبه اش برگردد. اما جانوران می خواهند سر به سر پرسی بگذارند. بنابراین، همدست می شوند و راسو، بدون آن که پرسی بداند نخ را پشت سر پرسی جمع می کند. هریک از جانوران، راهی را به پرسی پیشنهاد می کند. نویسنده از گره به وجود آمده، استفاده کرده، معمایی را برای خواننده و مخاطب پیش می کشد. در صفحه پایانی کتاب، نقشه پیچ در پیچ راهی را رسم می کند که یک ورودی و چهار گذرگاه دارد و مسلماً تنها یک گذرگاه، پرسی (در اصل مخاطب کودک) را به مقصد (کلبه پرسی) می رساند.

مخاطب کودک و نوجوان، حتی اگر از خواندن یا شنیدن داستان و تماشای نقاشی های متن لذت نبرد، مدادی بر می دارد و پس از چندبار تلاش و به کار انداختن فکر کنجکاو خود، راه رسیدن به کلبه را پیدا می کند.

نویسنده از همه عناصر و ابزارهای برقراری ارتباط با مخاطب بهره می گیرد. این عناصر و ابزارها عبارتند از:

- به کارگیری شخصیت های جانوری.
- استفاده از قصه ای ساده و روان.
- استفاده از کشش و تعلیقی مناسب.
- نقاشی خوب و رنگ آمیزی چشم نواز.
- استفاده از چیستان و نقشه چهارگزینه ای و پرسش درگیرکننده «پرسی کلام

راه را باید انتخاب کند؟ آیا تو می توانی راه مخفی را پیدا کنی؟»

۳- در کتاب سوم (گروه نجات)، «پرسی» نگهبان، روز استراحتش را به مطالعه کتاب می گذراند. خرگوش ها مشغول بازی هستند. یکی از خرگوش ها در حالی که به هوا می پرد، روی درپوش چوبی یک چاه می افتد، درپوش کهنه و پوسیده می شکند و خرگوش در چاه می افتد. پرسی و جانوران، برای نجات خرگوش دست به عملیات می زنند. آنها طناب بلندی می آورند و یک سر آن را به ته چاه می اندازند. حلقه طناب به شاخه ای که در ته چاپ افتاده، گیر می کند. پرسی و دوستانش طناب را می کشند و گمان می کنند که دارند خرگوش را از چاه بیرون می آورند. با دیدن





۲- تو باید هر روزی را که بر روی زمین سر می‌کنی، مقدس بداری و گردش فصل‌ها را جشن بگیری.

۳- تو باید نه خود را بالاتر از باشندگان دیگر بدانی و نه آن که آنها را از صحنه هستی محو کنی.

۴- تو باید از حیوانات که خوراک تو را فراهم می‌آورند و گیاهان که تو را سیر می‌کنند، سپاسگزار باشی.

۵- تو باید به فرزندان کم بسنده کنی؛ زیرا افزونی جمعیت باری است بر دوش زمین.

۶- تو نباید با جنگ ثروت‌های زمین را تباه و نابود کنی.

۷- تو باید بکوشی تا عظمت و اقتدار زمین را به آن بازگردانی، نه آن که به خرج زمین، در پی منافع خود باشی.

۸- تو نباید پیامد اعمال خویش را بر روی زمین، از چشم خود و دیگران پنهان کنی.

۹- تو نباید با فقیر کردن زمین یا مسموم ساختن آن، به حقوق آیندگان تجلوز کنی.

۱۰- تو باید در مصرف نعمت‌ها میانه‌رو باشی تا همگان بتوانند بر سر سفره زمین بنشینند.

نیک‌بایر ورثه، به خوبی توانست مفاد منشور ده ماده‌ای زمین را در لابه‌لای متن داستان‌های ساده و روان خود بگنجانند. این داستان‌ها نه از لحاظ ساختار داستانی و عناصر و ابزارهای داستان نویسی، بلکه به سبب داشتن این ارزش‌ها در ژرف‌ساخته حائز اهمیت و با ارزشند.

#### پی‌نوشت:

۱. ارنست کالنیخ - زمین‌اندیش

کرده است. «پرسی» با جملات پایانی داستان، چرخه آفرینش و زندگی را به تصویر کشیده است. دانه بلوط، نماد و نشانه نو شدن و متولد شدن است. دانه بلوط، فی‌نفسه و بالقوه خود یک درخت تنور بلوط است.

نویسنده با دیدی شاعرانه و عرفانی، نیازهای متقابل جانوران، گیاهان و انسان‌ها و اشیا را در قالب قصه‌ای کوتاه و شیرین، به کودک و نوجوان نشان داده است. از ویژگی‌های این چهارگانه طبیعت گرا، نثر روان و پاک فارسی را می‌توان نام برد. مترجم در برگردان داستان‌های مجموعه، موفق بوده است.

تصویرها و نقاشی‌های کتاب‌ها بر زیبایی کار افزوده، باعث می‌شود خواننده و مخاطب از مشاهده صفحه‌های کتاب‌ها لذت دیداری ببرد.

این عامل برای برقراری ارتباط میان متن و مخاطب بی‌تأثیر و بی‌اهمیت نبوده و نیست.

در پایان، یک بار دیگر به مقدمه این گفتار برمی‌گردیم و این نکته را تکرار می‌کنیم که اندیشه پیشرو امروزی و دغدغه بشر بیدار امروزی، معمولاً در سه محور اساسی و اصلی متمرکز شده است:

الف: صلح و آشتی و تلاش در مسیر همزیستی مسالمت‌آمیز و بیزاری از رفتارهای خشونت‌آمیز.

ب: دادخواهی و تلاش به منظور برپایی عدالت اجتماعی.

ج: پاسداری از بهداشت محیط و حفظ محیط زیست در همه ابعاد آن، بهره برداری بی‌رویه از طبیعت، صنعتی شدن زندگی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی زمین و هوا و... زیست را در زیست‌گاه زمین با بحران روبه‌رو کرده است عمق این بحران به اندازه‌ای است که جنبش‌های اجتماعی و فلسفی مرتبط با این موضوع، در سراسر جهان به راه افتاده است. امروزه بیش از هر زمان دیگری، باید مردم و به ویژه کودکان و نوجوانان را به حفظ و حراست از طبیعت آگاه و تشویق کرد. منشور ده ماده‌ای زمین‌اندیشان، گویای دغدغه و چنان‌های بیدار و عمق فاجعه‌ای است که در شرف تکمیل است. فشرده منشور ده ماده‌ای زمین، به این شرح است:

۱- تو باید زمین را عزیز و گرامی بداری و به آن عشق بورزی؛ چرا که اوست که زندگی را به تو ارزانی داشته، بقای تو را نیز تدبیر می‌کند.